



به نام خدا

حکومت سَمَن‌ها

پیام محسن رنانی به همایش «کار داوطلبانه در سازمان‌های مردم نهاد
: بررسی فرصت‌ها و چالش‌ها» / ۲۶ بهمن ۱۳۹۵

سلام بر دوستان شرکت کننده در همایش «کار داوطلبانه در سازمان‌های مردم نهاد». خرسندم که از این طریق می‌توانم در جمع شما شرکت کنم و درباره آینده حکمرانی در جهان و ایران با مشارکت «سازمان‌های مردم نهاد» (سمن‌ها) گفت‌وگو کنیم. عنوان سخنم «حکومت سمن‌ها» است و پیام آن این است که آینده از آن سمن‌هاست.

در یک تعبیر کوتاه می‌توان توسعه را این‌گونه تعریف کرد: «فرایند انتقال اقتدار از حکومت به جامعه مدنی». و اقتدار نیز عبارت است از «قدرت اعمال قدرت بدون اعمال خشونت». وقتی ترامپ رای آورد همه ما نگران «کژکارکرد»های دموکراسی شدیم. نظریه «انتخاب عمومی» در علم اقتصاد حدود پنجاه سال است که روی کژکارکردهای دموکراسی متمرکز شده است و بسیاری از خطاها و ناکارآمدیهای آن را نمایان ساخته است. اما بلافاصله وقتی قاضی دادگاه فدرال آمریکا، فرمان



اجرائی ترامپ مبنی بر منع ورود شهروندان هفت کشور به آمریکا را لغو کرد ما با مفهوم «خود اصلاح‌گری» نظام‌های دموکراتیک بیشتر آشنا شدیم و دریافتیم که دموکراسی چیزی بیش از وجود سازوکار انتخابات در یک کشور است. انتخابات فقط یک شیوه انتخاب در دموکراسی است.

اما حتی اگر قاضی دادگاه فدرال آمریکا نیز رای ترامپ را لغو نمی‌کرد جامعه مدنی در آمریکا آن اندازه قوی بود که بتواند بخشی از پیامدهای منفی این فرمان درباره مهاجرین را خنثی کند. همبستگی‌هایی که در آمریکا پس از فرمان ترامپ با ایرانیان و دیگر مهاجران ممنوع‌الورد شده انجام شد، نوعی خنثی‌سازی پیامدهای اجتماعی فرمان ترامپ بود. جامعه مدنی آن اندازه قدرت داشت که به شیوه‌های مختلف مخالفت خویش را با این فرمان نشان دهد و با محدود شدگان ابراز همدردی و همراهی کند.

تجربه تاریخی می‌گوید در فرایند گذار از توسعه نیافتگی به توسعه، نهادهای مدنی قدرت می‌گیرند و گاهی اقتداری قابل رقابت با اقتدار حکومت‌ها کسب می‌کنند. اما این تجربه‌ای است که در کشورهای توسعه یافته اروپایی و آمریکایی و در یک روند تدریجی تاریخی رخ داده است. آیا می‌توان بدون نیاز به یک فرایند بسیار کند و فرساینده



تاریخی، قدرت نهادهای مدنی را به سرعت ارتقا داد و آنگاه این قدرت را به اقتدار تبدیل کرد.

این دقیقاً همان فرایندی است که از آغاز قرن بیست و یکم آغاز شده است و با پیشرفت و فراگیر شدن فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، شتاب گرفته است. اکنون بسیاری از جوامع در حال تجربه‌ی مرحله‌ی عبور از «نهادهای مدنی» به «شبکه‌های مدنی» هستند. در دنیای جدید، پدیده تازه‌ای به نام «شبکه‌های مدنی» در حال شکل‌گیری است که قدرت نهادهای مدنی را متمرکز می‌کند و گستره نفوذ آنها را بسیار فراگیر می‌کند و این همان چیزی است که به سرعت به «اقتدار مدنی» می‌انجامد.

اکنون این فرصت برای جوامع همه کشورهای در حال توسعه‌ای که حکومت‌هایشان با سرعت مناسب به سوی توسعه حرکت نمی‌کنند پدیدار شده است که بدون عبور تدریجی از مراحل تکامل تاریخی نهادهای مدنی، با جهش به مرحله شبکه‌های مدنی، بخشی فرصت از دست رفته تاریخی در فرایند توسعه خود را جبران کنند.

تفاوت مهم شبکه‌های مدنی با نهادهای مدنی، در «فراگیری»، «سرعت گردش اطلاعات» و «قدرت خودپایندگی» آنهاست. چیزی که در نهادهای مدنی سنتی وجود ندارد و به همین علت، روند تحول و تکامل بسیار کندتری دارند.



خوشبختانه چند حادثه تاریخی این فرایند را در ایران تسریع می‌کند. وجود جمعیت جوان، افزایش سریع سهم جمعیت دارای تحصیلات عالی، گسترش حضور زنان در دانشگاه‌ها و دیگر عرصه‌های اجتماعی و گسترش فناوریهای ارتباطی و اطلاعاتی، موجب آماده شدن شرایط اجتماعی برای تقویت قدرت نهادهای مدنی و شکل‌گیری شبکه‌های مدنی شده است. هم‌چنین عوامل چندی دست به دست هم داده‌اند تا اقتدار دولت و حکومت را به سرعت به سوی افول ببرند، از جمله: کاهش درآمدهای نفتی که ابزار اصلی مداخله‌گری دولت‌ها در همه حوزه‌ها بوده است؛ فربه‌گی و ناکارآمدی نظام اداری که قدرت مواجهه دستگاه حکومت با مسائل و مشکلات را کاهش داده است؛ و فساد گسترده نظام اداری که راه اصلاح‌پذیری و چابکی حکمرانی را سد کرده است؛ همگی باعث شده‌اند که نهادهای حکومتی در مواجهه با بحران‌های نوبه‌نو دررسنده ناتوان بمانند و سقوط اقتدار نهادهای حکومتی را به نمایش بگذارند و نیاز حکومت به یاری بخش خصوصی و نهادهای مدنی برای حل و فصل مشکلات را یادآوری کنند و به حکومت بیاورانند و آن را مجبور کنند تا از یک سو دست‌نیاز به سوی بخش خصوصی و نهادهای مدنی دراز کند و از سوی دیگر از بسیاری از عرصه‌های انحصاری که تا کنون اجازه ورود و مداخله بخش خصوصی و نهادهای مدنی در آنها را نمی‌داد، عقب‌نشینی کند.



این فرصت را باید قدر دانست و با ایجاد ارتباطات شبکه ای میان نهادهای مدنی، از ابزارهای ارتباطی مدرن نیز برای چابکی، فراگیری، سرعت عمل و شفافیت این نهادها بهره برد.

خوشبختانه تحولات دو دهه اخیر به سرعت در حال کاهش نقش دولت در حوزه هایی است که دولت ها به طور سنتی صاحب انحصار بوده‌اند. یکی از این حوزه ها، موضوع انتشار پول است. هم اکنون اقتصادهای غربی شاهد پیدایش نوعی تازه و بی نظیری از پول الکترونیک به نام «بیت کوین» (Bitcoin) هستند که خارج از نهاد دولت و به وسیله شبکه های مجازی در حال تولید و استفاده است و چنان قدرت گرفته است که حتی برخی فروشگاهها آن را به عنوان پول پذیرفته و برای آن دستگاه پرداخت الکترونیک نصب کرده‌اند. پیش بینی من این است که در بیست سال آینده پول سنتی از عرصه بسیاری از اقتصادها محو خواهد شد و پول مجازی بدون اتکاء به دولت، که در آن تورم و تقلب راه ندارد، جایگزین آن خواهد شد.

اما این تحول منحصر به پول نیست. در حوزه های دیگری نیز که وظیفه انحصاری و سنتی دولت ها بوده است، تحولات بزرگی در راه است. مثلا حوزه نظم عمومی یا حوزه نظارت بر استانداردها نیز از حوزه هایی است که به سرعت شبکه های مدنی در آنها راه پیدا می کنند و نقش دولت را بر عهده می گیرند. مثلا امروزه به نظر می رسد اصلاح



«نظام رانندگی» در ایران از توان نهادهای دولتی مربوطه خارج شده است. گستردگی شبکه ترافیک خودرو، انبوهی مشکلات و جرایم و ناکارآمدی نهادی و فناورانه نهادهای دولتی مسئول در امر ترافیک، عملکرد نهادهای دولتی مربوطه را به انفعال کشانده است. اما ما در سالهای آینده شاهد شکل‌گیری شبکه‌های مدنی ناظر بر ترافیک خواهیم بود که با کارآمدی بالایی می‌توانند نظام تردد شهری و رانندگی را نظم و نسق دهند.

همین مساله را در حوزه دیگری از وظایف دولت یعنی حوزه تعریف و نظارت بر استانداردها خواهیم داشت. نهادهای نظارتی مربوط به استانداردهای اوزان، مقیاس، کیفیت، بهداشت و نظایر آنها اکنون عملاً نهادهایی منفعل و به حاشیه رانده شده هستند. اما شبکه‌های نهادهای مدنی در سالهای آینده به سرعت این وظیفه را بر عهده می‌گیرند و نظام نظارتی تازه‌ای در حوزه استانداردها پدیدار خواهد شد.

در یک کلام ما در آینده‌ی نه چندان دور با اقتدار شبکه‌های مدنی که متشکل از انواع سمن‌ها و سایر نهادهای مدنی خواهند بود رو به رو خواهیم شد. به دیگر سخن، «حکومت سمن‌ها» در راه است و این ماییم که می‌توانیم با مشارکت عقلانی و اخلاقی در نهادهای مدنی و با ایجاد شبکه‌های همکاری و تعامل بین این نهادها، زمینه ساز ظهور «حکومت سمن‌ها» شویم.



بر این اساس خبر تشکیل «شبکه ملی موسسات نیکوکاری و خیریه» برای من خبری بس امید بخش و مسرت آفرین بود. نظام تدبیر در ایران چنان فربه و ناکارآمد شده است که دستکم در کوتاه و میان مدت امیدی به تحول جدی در آن نمی رود. اما با ظهور شبکه های قدرتمند مدنی، جامعه ما دارد ققنوس وار از میان خاکستر تجربه های سوخته‌ی خویش، دوباره جان می گیرد و پر می‌گشاید و اگر از آن مراقبت کنیم زودا که قدرت پرواز بیابد.

وقتی همه دست به دست هم دهیم و قدرت پراکنده خویش را در شبکه‌های مدنی متمرکز کنیم زودا که با هم سرود توسعه را در خیابان‌ها، کوچه‌ها و خانه‌های ایران سر دهیم. به امید آن که به زودی شاهد برآمدن بهار اجتماعی در جامعه خویش باشیم، سخنم را با این ابیات نوید بخش حضرت حافظ به پایان می برم:

نفس باد صبا مُشک فشان خواهد شد / عالم پیر دگر باره جوان خواهد شد
 ارغوان جام عقیقی به سمن خواهد داد / چشم نرگس به شقایق نگران خواهد شد
 زین تناول که کشید از غم هجران بلبل / تا سراپرده گل نعره زنان خواهد شد
 گر ز مسجد به خرابات شدم خرده مگیر / مجلس وعظ دراز است و زمان خواهد شد
 محسن رنانی / دانشگاه اصفهان

۲۶ بهمن ۱۳۹۵